



هنرمندان در فضای مجازی

■ **همدردی با همسایه**

این روزها که شرایط افغانستان خوب نیست، فرشته حسینی بازیگر افغان با اندوه در این باره نوشت. او با انتشار فیلمی از مرد افغان که کودکی در بغل دارد علاوه بر انتشار حرف‌های این مرد نوشت: «انگار که واقعیت ندارن! بمیرم برات پدر، بمیرم براتون. چه به سرتون اومد. چه خاکی به سر بگیریم ما که فقط باید تماشا کنیم و گریه کنیم؟ خاک بر سر تمام دنیا که به تماشای این قتل عام نشستن.»

■ **چهره**

هاله ناظمی به یکصد و نود و چهارمین نشست از سلسله جلسات صبح پنجشنبه‌های بخارا می‌آید. این خبری است که علی دهباشی در صفحه خود اعلام کرده است. «هاله ناظمی، مترجم آثار ادبی از زبان ایتالیایی، که اخیراً کتاب «برای رفتن به آن دنیا خیلی زود است» نوشته الیزابتا پاسکا نویسنده معاصر ایتالیایی با ترجمه ایشان از سوی انتشارات کتاب خورشید منتشر شده، اختصاص یافته است. این جلسه با همکاری و در محل کتابفروشی فرهنگان قریب در ساعت نه و نیم صبح پنجشنبه بیست و یکم مرداد ۱۴۰۰ به‌صورت مجازی برگزار می‌شود.»

تینا پاکروان که این روزها سریال «خاتون» را از نماوا در حال پخش دارد، با انتشار عکسی از غزل شاکری و مقایسه‌اش با فهمیه اکبر از این شخصیت تاریخی نوشت:«زنی متفاوت در

■ **پیشنهاد ویژه برای محرم**

انتشارات امیرکبیر همزمان با آغاز دهه اول محرم و ایام سوگواری سید الشهدا بیسته ویژه محرم پیشنهاد داده است که با ۲۰ درصد تخفیف و ارسال رایگان قابل تهیه است: «این بسته شامل دو کتاب «خال سیاه عربی» نوشته حامد عسکری «سفر خروج» نوشته عبدالرحمان شرفاوی با ترجمه غلامرضا امامی است که به مبلغ ۶۶,۴۰۰ عرضه می‌شود. اگر علاقه‌مند هستید این ایام را با کتاب‌هایی با حال و هوای معنوی سپری کنید به وبگاه انتشارات امیرکبیر مراجعه نمایید.»

■ **تازه‌های نشر**

نشر چشمه خبر داده است که رمان «خفاش شب» نوشته سیامک گلشیری را با امضای نویسنده می‌توان از نشر چشمه کریمخان تهیه کرد. این نشر این وعده را داده است که این طرح بتدریج با همه نویسندگان نشر چشمه قابل اجرا است. اما خبر خوب این است که «اگر امکان حضور در کتابفروشی‌های نشرچشمه را ندارید نیز نگران نباشید. امکان تهیه این کتاب‌های امضا شده از سایت نشرچشمه نیز امکانپذیر است. کتاب‌هایی که از سایت می‌خرید با اسم شما امضا خواهند شد.»

نشر لگا هم خبر از انتشار نمایشنامه‌های یوجینو باربا داده است. نمایشنامه‌های «درخت»، «اثر یوجینو باربا» «نمک» اثر یوجینو باربا و روبرتا کارری / «کتاب ایستر» اثر اربین ناگل راسموسن / «ایتسی بیتسی» اثر اربین ناگل راسموسن که با ترجمه محسن تمدنی نژاد ۱۵ درصد تخفیف داده است و درباره یوجینو باربا نوشته است: «یوجینو باربا یک کارگردان است. برخی او را انسان شناس، کرنوگرافر و موسیقی‌شناس نیز می‌دانند و همه اینها درست است. اما به ظن من کار او واقعاً چیزی متفاوت است. این همان چیزی است که قدما به‌خوبی می‌دانستند، هنگامی که وظیفه هماهنگی آیین‌ها را به کشیش‌ها می‌سپردند و آنها بدن را با آوا، هوا را با زیمین و حواس را با روح پیوند می‌دادند. همان چیزی که شکسپیر قصد انجامش را داشت وقتی که عصا را در دست پروسپرو گذاشت تا بتواند آیین‌های سری ترکیب عناصر را رهبری کند. جادویی برای انجام وجود دارد و استادی هست که عصا را در دست دارد. او در حال اجرای کدامین مراسم عجیب‌غریب است؟ چه کیمیاگری‌ای اینها را ترکیب می‌کند؟ نشانه‌هایی که او در فضا می‌گذارد چیست؟» [به نقل از کتاب نمایشنامه «نمک»]

پیدا داشت



داور بخش سنتور پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در ارزیابی چهارده دوره جشنواره سخن گفت.

مینا افتاده: جشنواره موسیقی جوان جای خالی آموزش را پر کرده است

بسیاری از جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به موسیقی در مناطق دور از پایتخت که امکانات چندانی برای بروز استعدادها و توانایی‌هایشان را ندارند، در این جشنواره شرکت می‌کنند و مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرند. جشنواره موسیقی جوان جای خالی آموزش موسیقی در بسیاری از شهرها را گرفته است. هنرستان‌ها و دانشکده‌هایی که آموزش‌های قابل قبول ارائه می‌کنند در تهران متمرکز شده‌اند و در نبود آموزش‌های مناسب و استاندارد، بخصوص نبود هنرستان موسیقی برای دختران در برخی شهرستان‌ها، علاقه‌مندان جوان و نوجوان موسیقی و هنرمندان نوپا در شهرهای مختلف کشور راغب هستند که نواختن ساز را بیاموزند و در جشنواره موسیقی جوان شرکت کنند.

داور بخش سنتور پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در ارزیابی چهارده دوره جشنواره سخن گفت.

تعزیه و الزامات استفاده از ظرفیت‌های اینترنتی

نمایشی آنها را به فراموشی سپرده‌ام، شنیده‌ام بحث و گفتمان در خصوص ارائه تعزیه به‌صورت آنلاین در گوشه و کنارهای حوزه نمایش داغ شده و گفته‌اند همان‌طور که نمایش آنلاین و فیلم تئاتر داریم می‌توان تعزیه آنلاین هم داشته باشیم. بله می‌توان داشت؛ نه تعزیه که هر آیین نمایشی را می‌توان با استفاده از قابلیت‌های فضای مجازی و البته استفاده درست از تجهیزات تصویربرداری به‌عنوان نمونه‌ای از یک اثر فرهنگی به‌روز شده ارائه داد اما مسأله قابل توجه اینجاست که تا زمانی که تلاشی برای رسیدن به زیرساخت‌های مناسب ارائه این محصول چه به‌عنوان پلتفرم و چه در نوع و نگاه تصویربرداری نداشته باشیم، در نهایت باز در نتیجه محصولی خواهیم داشت که در فرایند ارائه به مخاطب به روز نشده است. این همان حلقه مفقوده‌ای است که برای ارائه اثری در فضای مجازی باید به آن توجه داشت. فضایی که مخاطبان آن به داشتن سرعت انتقال اطلاعات و دیدن خلاقیات‌های بی‌شمار عادت کرده‌اند و نمی‌توان انتظار داشت با فرمول‌های دیده شده ارائه محصول تصویری شرايطی ایجاد کرد که مخاطبان بیشتری را جذب کرد. به روز شدن در شیوه ارائه محصول نمایشی سنتی خود یکی از مهم‌ترین نکاتی است که هنرمند باید به آن توجه داشته باشد و حالا وقتی قرار است این محصول در پلتفرمی اینترنتی ارائه شود این خلأقیّت صد چندان می‌شود. خلاقیتی که از شیوه اجرایی تا فرایند تصویربرداری و روایت تصویری گسترش می‌یابد. هنرمند باید مرزهای تکرار را بشکند و در ارائه اثری آیینی پا را از قواعد موجود فراتر بگذارد. در این میان یکی از مهم‌ترین نکات استفاده از ظرفیت‌های تبلیغاتی فراوانی است که برای پلتفرم‌های اینترنتی متصور است. همان نکته‌ای که در ارائه محصولات سینمایی به آن توجه شده و در نقطه مقابل، تئاتر از آن همیشه بی‌بهره بوده است.

آنچه تئاتر ایران را بعد از همه‌گیری بیماری کرونا بیش از گذشته درگیر خود کرد نمایان شدن عدم استفاده مناسب از همه ظرفیت‌هایی بود که ده‌ها مورد بی‌مهری و غفلت قرار گرفته بود. بعد از تعطیلی گسترده تماشاخانه‌ها و به تبع آن بی‌کاری هنرمندان تئاتر ایران اقبال به استفاده از ظرفیت‌های بالقوه فضای مجازی تب و تابي افسارگسیخته به خود گرفت. در این میان ارائه بی‌حساب و کتاب فیلم تئاترها بدون در نظر گرفتن مباحث مربوط به اقتصاد هنر و اقبال تماشاگران یکی از شدیدترین ضرباتی بود که به بدنه نحیف اقتصاد تئاتر ایران وارد شد. ارائه آثاری که به‌عنوان گزارش صحنه‌ای یک اجرای عمومی شناخته می‌شدند و غالباً بدون در نظر گرفتن و رعایت معیارهای تصویربرداری حرفه‌ای تلویزیونی و صرفاً به‌عنوان یادگار برای گروه اجرایی فیلمبرداری شده بودند و تصویر و صدای مناسبی برای ارائه به‌عنوان یک اثر فرهنگی مستقل در مEDIUM تلویزیونی نداشتند. در این میان ضعف‌های ساختاری و نبود امکاناتی مانند پلتفرم‌های حرفه‌ای و تخصصی پخش این آثار در مقایسه با نمونه‌های سینمایی باعث شد مخاطبان اقبال کمتری نسبت به این گونه و روش ارائه محصول نمایشی نشان دهند. البته که نمی‌توان در این میان از تأثیر نداشتن فضای مناسب تبلیغات، عدم مدیریت در شرایط بحرانی و نبود زیرساخت‌های مناسب غافل ماند. این روزها با نزدیک شدن ایام محرم تب و تاب نمایش‌های آیینی و سنتی مانند تعزیه مانند همیشه داغ شده است. نمایش‌هایی که یاد گرفته‌ایم فقط برای نمایش در این روزها از آنها استفاده کنیم و ظرفیت‌های عمیق

سفر به گوشه و کنار جهان

خانواده‌ای از سفر برمی‌گردند و «فلیکس»، خرگوش عروسکی دختر کوچولوشان گم می‌شود. چند روز بعد فلیکس به دختر کوچولو نامه می‌نویسد که نگران من نباش؛ تصمیم گرفته‌ام به کشورهای مختلف دنیا سفر کنم و با فرهنگ و آداب و رسوم‌شان آشنا شوم. حالا فلیکس به شهرها و کشورهای مختلف سفر می‌کند و یک بار از مصر، یک بار از پاریس، یک بار از لندن برای «سوفی» نامه می‌نویسد. مجموعه فلیکس را یک نویسنده آلمانی به‌نام آنت لنگن نوشته و برای نخستین بار محبوبه نجف خانی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده تا الگویی برای نویسندگان ایرانی باشد.

مجموعه کتاب‌های فلیکس را نشر زعفران برای گروه سنی ب و ج منتشر کرده تا هم بچه‌ها را با کشورها و شهرهای مختلف جهان آشنا کند هم لذت کتاب خواندن را به آنها بچشاند. این خرگوش عروسکی نه تنها به کشورهای مختلف اروپایی سفر و مخاطب خود را با جاذبه‌های گردشگری مختلف مثل موزه لوور و برج پیزا آشنا می‌کند؛ به کنار دریاچه ژنو هم می‌رود و با بچه‌ها از طبیعت زیبای سوییس می‌گوید.

به جز این «فلیکس» به گذشته سفر می‌کند؛ و از دوران یونان باستان و قرون وسطا و خاور دور و سرزمین سرخپوست‌های آمریکایی می‌گوید. اما این همه ماجرا نیست؛ بچه‌ها با خواندن این مجموعه با مراسم سنتی، خوراک و پوشاک مردم مختلف دنیا آشنا می‌شوند آن هم نه با یک زبان خشک و بی‌روح. آنت لنگن، نویسنده

مجموعه فلیکس نه مردم‌شناس است نه معلم تاریخ و جغرافی؛ اما ذهن و زبان کودکان را می‌شناسد و می‌داند که آنها قالب داستان را دوست دارند و رنگ و تصویر جذب‌شان می‌کند. از سوی دیگر نویسنده بخوبی از قالب نامه‌نگاری بهره برده؛ پس بچه‌ها می‌توانند پاکت‌ها را باز کنند و نامه‌های فلیکس را بخوانند. نامه‌هایی که از گوشه گوشه دنیا فرستاده شده؛ اصلاً فلیکس هر جا که رفته عکس گرفته و درباره‌اش نوشته است. تازه بچه‌ها با خواندن مجموعه فلیکس می‌توانند با صنایع دستی هر شهر و دیاری آشنا شوند؛ حتی می‌توانند انواع خوراکی‌ها را بشناسند و آشپزی کنند و این امکان نه تنها به جذابیت مجموعه می‌افزاید بلکه این سری کتاب‌ها را در شکار کتاب‌های تعاملی قرار می‌دهد. یعنی آثاری که یک‌سویه پیش نمی‌روند و خسته‌کننده نیستند.

محبوبه نجف‌خانی، مجموعه فلیکس را ترجمه کرده تا الگویی برای نویسنده‌های ایرانی باشد. اصلاً وقتی فلیکس به کره ماه می‌رود چرا به ایران نباید؟ چرا نویسنده‌های ایرانی نباید به معرفی شهرهای مختلف این سرزمین و آداب و رسوم و جاذبه‌های گردشگری‌شان، آن هم به زبانی ساده و دلنشین بپردازند؟ نشر زعفران که مجموعه فلیکس را منتشر کرده، مجموعه دیگری را هم در اختیار بچه‌های ایرانی گذاشته تا آنها را با سرزمین‌شان آشنا کند؟! در شماره‌های بعدی با شما درباره این مجموعه سخن می‌گوییم.

خود را بخوانیم

نمی‌دانم‌ها مرا وادار کرده در ذهن با خودم حرف بزنم. امری مداوم و گاهی فرساینده اما پر از کشف و شهود، آشوب و نظمی خود خواسته که مرا برای خلق یا نوشتن هر بار می‌آزماید و می‌آموزد. نیاز به فراغ از این نظم و آشوب و استراحت در سایه خلوت ذهنی نخست با زندگی و معاشرت خانواده و دوستان نزدیک و بعد با خواندن کتاب یا دیدن فیلم، سریال، مستند و شنیدن موسیقی و پاکدست فراهم آمده است.

برایم این سؤال مطرح بوده که فارغ از توصیه‌ها و شماییل اکتساب آگاهی که در مطالعه متبلور شده است چرا کتاب می‌خوانیم. میل یا نیاز ما به آگاهی از حجم ناآگاهی‌های همیشگی ما به‌وجود آمده است و به دور از قضاوت ارزش داورانه آگاهی و ناآگاهی هرآن کس که در خود این میل را بکاود راهش را پیدا خواهد کرد. اما در این میان آنچه فراموش می‌شود «خود» است. خودی که نمی‌خوانیش و آن را در لابه‌لای صفحات کتاب‌ها و



لحظات فیلم‌ها و موسیقی‌ها و غیره جست‌وجو می‌کنیم. هر چه تلاش کردم قبل از «خود» شما نامی از کتاب یا فیلم یا هر محصول دیگری ببرم که تأثیری بر لحظات بگذارد بنیاقتم پس لطفاً خود را بخوانید. هر روز، مرور لحظه‌هایتان در زمان، مکان، صداها، هر آنچه حس می‌کنید از اشیا و آدم‌ها در برخورد با آنان که دوست دارید یا دشمنی می‌پندارید اما بایستید، نگاه کنید، بشنوید، لمس کنید و از ورق زدن خود نترسید. اطمینان داشته باشید این «خود» مهم‌ترین چیزی است که تا به حال نخوانده یا نشنیده‌اید.

عکس نوشت

با شروع عزای حسینی گنبد حضرت شامهراج (ع) در شیراز مشکی شد. خبرگزاری موج گزارشی تصویری از نصب پارچه‌های مشکی عزاداری با حضور خادمان و زائران روایت کرده است.

روز واقعه

حسین بن علی چه گفت؟
او گفت: چگونه بر روی بت های مرده،سنگی بیندازم
حال آنکه بت های زنده روی زمین هستند.

بهرام بیضایی

کتابیه زخم



عبدالرحیم سعیدی‌راد شاعر

برای صدمین بار واژه‌های این جمله آتشین را مرور می‌کنند: فردا همه شما به شهادت می‌رسید. ضربان قلبش تندتر می‌شود. با خودش زمزمه می‌کند: یعنی من هم؟... عمویش همچون آینه‌ای تمام قد، در کنار خیمه‌ای به وسعت آسمان ایستاده است. چند قدم به سویش برمی‌دارد و می‌ایستد.

بغضی شگفت به گلوی نازکش چنگ می‌اندازد. نفسی عمیق می‌کشد و بریده بریده می‌گوید: عمو جان! ... من هم ... به شهادت می‌رسم؟ آسمان مکث می‌کند. دیگر هیچ ستاره‌ای پلک نمی‌زند. عمویش لبخند می‌زند: مرگ در چشم تو چگونه است؟ انگار که منتظر این سؤال باشد، با همه سلول‌های نشش می‌خروشد: والله، شیرین‌تر از عسل!

منابع نهوض عاشورا-۵

میرا کردن یزید، شیوه تاریخ نگاری مکتب شام

محمد بن احمد ذهبی (۷۴۸- ۷۲۳ه.ق)، معروف به «شمس‌الدین الذهبی» یکی دیگر از راویان واقعه عاشورااست. روایت محدث، مورخ و سیره نویس بوده و در سده هفتم و هشتم قمری می‌زیسته و در سال ۷۴۸ هجری قمری درگذشته است. ذهبی از عالمان اهل سنت، در فقه پیرو مذهب شافعی و در کلام به اهل حدیث و حنبله گرایش داشته و یکی ازعالمان برجسته مکتب تاریخ نگاری شام محسوب می‌شود. شهرت او در علم رجال بوده و به سلفی بودن نیز مشهور است. کتاب «تاریخ الاسلام» مهم‌ترین تألیف وی است که در ۳۰ جلد است. این کتاب براساس «حوایات» (سال نگاری) تنظیم شده و در نقل حوادث سال ۶۱ هجری قمری به‌واقعه کربلا پرداخته است. ذهبی واقعه عاشورا را به‌نقل از ابن عساکر و ابن سعد، آن هم ناقص روایت کرده و با وجود آنکه وی و ابن حجر عسقلانی، آخرین افرادی هستند که به بقایای کتاب‌های قرون اولیه دسترسی داشتند و پس از آنها، بسیاری از این آثار از میان رفته، در ثبت واقعه عاشورا به نقل از منابع در دسترس بی‌میلی نشان داده و رسالت تاریخ نگاری خود را به‌جا نیاورده است. بنابراین اگرچه ارزش کتاب‌های ذهبی، حفظ متون فراوانی از گذشته است که امروزه در اختیار نیست، اما در گزارش وقایع عاشورا، به‌نقل از منابع موجود کوتاهی داشته است. وی در بخش نامه نگاری مردم کوفه به امام حسین(ع) و دعوت از حضرتش برای رفتن به کوفه و به‌دست گرفتن زعامت آنان، کسانی را نام می‌برد که سرراه امام(ع) را گرفته، با از طریق نامه به آن حضرت نسبت به بد عهدهی کوفیان هشدار داده و رفتار آنان با پدرش امیرالمؤمنین علی(ع) و برادرش امام حسن مجتبی(ع) را با ذکر نکاتی یاد آوری‌شود. اما از پاسخ امام(ع) سخنی به میان نمی‌آورد و به‌سکوت برگزاری می‌کند و بدین ترتیب بر مقصد و هدف والا امام حسین(ع) که همانا اجرای امر به معروف و نهی از منکر نسبت به رفتار حاکمان، عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و فسق دستگاه حاکمه بود، سرویش می‌گذارد. وی در این جهت به این هم اکتفا نکرده سعی می‌کند تا یزید را از دست داشتن در واقعه عاشورا میرا کند. البته این خط در مکتب تاریخ نگاری شام از سوی کسان دیگری همچون ابن کثیربن‌دنبال شده ولی هیچ یک به صراحت نوشته ذهبی نیست. ذهبی با این روایت که این اطرافیان بودند که در بی‌خبری خلیفه وقت مسلمین - یزید- مرکب چنین فاجعه شومی شدند، سعی دارد تا بار گناه قتل امام(ع) و بارانش را از دوش یزید برداشته و بر دوش عبیدالله بن زیاد بگذارد. ذهبی در این مورد مدعی است که ابن زیاد به‌طور مستقل و بدون اجازه یزید خلیفه مسلمین به قتل حسین بن علی(ع) اقدام کرده ویزید به این امر اراضی نبوده است. وی برای اجناداختن این دیدگاه به ذکر روایاتی نیز می‌پردازد. از جمله اینکه وقتی سر بریده حسین بن علی(ع) را نزد یزید آوردند، وی سر مبارک را بین دستان خود قرار داد و گریست و با سرودن شعرش می‌گفت: «به خدا سوگند اگر من همراه تو بودم هرگز تورا نمی‌کشتم. در این هنگام علی بن الحسین - امام سجاد(ع) - گفت: اگر رسول خدا بود ما را چنین مغلوب و در غل و زنجیر نمی‌دید و دوست داشت که ما از آنها راهایی پاییم، آنگاه یزید پاسخ داد، راست می‌گویی و دستورات او را از غل و زنجیر رها نیدند. سپس هرچه اسیران خواستند برای آنان فراهم کرده و به سوی مدینه باز گرداند.» (تاریخ الاسلام ج ۴ ص ۱۹)

